



یادداشت



در هر فرایند ارتباطی معمولاً از سه عنصر اصلی یاد می‌کنند: فرستنده، پیام، و گیرنده. البته مجموع عناصر برشمرده در متون مربوط گاه به ده عنصر نیز می‌رسد، از جمله اینکه: که می‌فرستد؟ از چه مجرای؟، با چه نیتی؟ برای که؟ با چه تأثیری؟ با چه بازخوردی؟ در چه محیطی؟ و... اما همه این عناصر حول همان سه محور اصلی می‌گردد.

کتابخانه نیز، به عنوان یکی از مجراهای ارتباطی، فارغ از این عناصر نیست. تولیدکنندگان متون، فرستندگان هستند؛ محتوای مجموعه پیام است؛ و مخاطبان پیش‌بینی شده گیرندگانند. نکته عمده در این جریان، بالاختص در کتابخانه این است که در بررسی‌ها و برآوردها حرکت از عنصر گیرنده آغاز می‌شود نه عنصر فرستنده. به این معنا که ابتدا می‌اندیشیم که استفاده کنندگان بالقوه کیانند، برای آنان چه محتوایی باید در نظر گرفت، و این محتوی را چه کسانی باید تهیه و تولید کرده باشند. این نکته در امر مجموعه‌سازی بسیار حائز اهمیت است. شاید قیاس میان اصطلاحات دو حوزه اطلاع‌رسانی و ارتباطات معلوم کند که چرا ما از گیرندگان پیام - مخاطبان بالقوه - آغاز می‌کنیم؛ و جان کلام در مجموعه‌سازی همین است.

در مجموعه‌سازی از مرحله‌ای یا حرکتی به نام سیاست (یا خط مشی) مجموعه‌سازی سخن می‌رود و بخشی از این سیاستگذاری آن است که تعیین کنیم مجموعه باید برای چه مخاطبانی فراهم شود. به زبان ارتباطات، یعنی اینکه برای چه گیرندگانی (با چه ویژگی‌هایی) قصد انتقال پیام داریم؛ و این بررسی شرط مقدماتی هرگونه حرکت جهت مجموعه‌سازی است. تا زمانی که سیاست مشخصی برای نوع مجموعه، درصد گرایشهای موضوعی، نوع مواد اطلاعاتی، و نظایر آن وجود نداشته باشد، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی بودجه، فضا، امکان گسترش، و نوع تجهیزات ناممکن است. سیاست مجموعه‌سازی در واقع دستورالعمل اجرایی برای اتخاذ تصمیم درباره بسیاری موارد است که در نگاه اول و مستقیم، چندان مربوط نمی‌نماید، اما در واقع بر بسیاری از مراحل کار مدیریت مراکز اطلاع‌رسانی اثر می‌گذارد.

تعیین و توجه این‌گونه سیاستگذارها خود نوعی موضوع پژوهشی است که می‌بایست بر مبنای بسیاری شرایط موجود و مفقود، امکانات، قابلیت‌ها، و نظایر آن صورت گیرد. درونمایه‌های چنین پژوهشی را می‌توان عبارت دانست از: تعداد مخاطبان بالقوه موجود و آهنگ افزایش آنها در طول



دوره‌های تعریف شده، تعداد و نوع مواد و منابع اطلاعاتی موجود در زمینه مورد نظر و آهنگ رشد آنها در طول زمان، زیرینا و فضای قابل گسترش و آنچه باید برای آن پیش‌بینی کرد، و از این قبیل.

هریک از این درونمایه‌ها که خود به اعتباری مسئله تحقیقی مستقلی نیز تلقی می‌شود، لازمه برنامه‌ریزی مطلوب برای مجموعه‌سازی است تا از نفوذ سلائق شخصی یا پیشنهادهای موردی و پراکنده جلوگیری کند. در چنین صورتی است که می‌توان حتی پس از شکل‌گیری مجموعه نیز خلاءها را شناخت یا از توزیع بی‌رویه در یک شاخه به قیمت ضعف شاخه دیگری از مجموعه پرهیز کرد و بدین ترتیب توازن مجموعه را تحت کنترل آورد.

هرگاه چنین روندی دنبال شود، هرگونه تغییر در گرایش‌های موضوعی، محتوایی، و صوری مواد و منابع اطلاعاتی منوط به تغییر سیاست مجموعه‌سازی خواهد بود. یعنی پس از تجدیدنظر و اصلاح و روزآمد کردن سیاست مجموعه‌سازی است که می‌توان دگرگونی در گرایش مجموعه را توجیه کرد. این بدان معناست که مجموعه‌سازی تابعی از سیاست مجموعه‌سازی، این سیاست تابعی از اهداف

کتابخانه یا مرکز اطلاع‌رسانی، و این اهداف خود تابعی از وظایف، عملکردها، یا بافت مخاطبان و استفاده‌کنندگان بالقوه مجموعه است.

از جمله راههای نیل به چنین مهمی، تحقیق در مورد وضع موجود مجموعه‌های کتابخانه‌ها و میزان اتکاء آنها به سیاستی مدون است. با استفاده از یافته‌های چنین تحقیقاتی است که می‌توان میزان کامیابی یا ناکامی این‌گونه مراکز را دریافت و به الگوهای رسید که خود عناصر متشکله استانداردهای قابل دفاعی را در آینده پدید می‌آورد.

خوشبختانه در این شماره مواردی از بررسی و ارزیابی مجموعه‌های کتابخانه‌ای درج شده است که تا حدودی به برخی پرسش‌های مقدر پاسخ می‌دهد. اما هنوز درونمایه‌های فراوانی در این زمینه برای پژوهش هست که جا دارد جوانان علاقه‌مند برای بررسی آنها اقدام کنند.

در این شماره، علاوه بر موارد ذکر شده، در حوزه‌های تولید، ذخیره و بازیابی، اشاعه، و ارزیابی عناصر و ویژگیهای فرایند ارتباط و اطلاع‌رسانی نیز مقاله‌ها و گزارش‌هایی می‌توان یافت.

ع.ح.